

المپیک، یک جهان یک رویا

بازگشت به زندگی

ورزش را پیش از هر زمانی متحد و یکپارچه سازد تا با کرونا و هر بیماری دیگری بجنگد و دنیایی را که تار و پودش با ویروس‌های خطرناک آمیخته شده و متأسفانه این روزها به شدت بوی مرگ می‌دهد، به سوی خصلت‌های مثبت قبلی‌اش و به سمت نعمت زندگی سوق بدهد.

اگر المپیک‌های قبلی در کار بود، برای شما از دلاوری‌های رشید سعدالواف، ابر کشتی‌گیر روسیه و نیروی لایزال لاشا تالاخادزه، مافوق وزنه‌بردار گرجستانی، می‌نوشتیم و یا می‌گفتیم چه حیف که امسال یوسین بولت، دهنده‌ی مافوق سرعت نور جامایکایی و مایکل فلیس، شناگر همه‌فن حریف امریکایی، به سبب بازنشستگی در صحنه حاضر نیستند و چشم‌هایتان را متوجه پینگ‌پنگ‌بازان چین می‌کردیم که سال‌هاست المپیک را به صحنه‌ی پیکارهای قهرمانی کشور خودشان تبدیل کرده‌اند، اما الان زمان آن است که بگوییم المپیک که ۱۹۶ کشور در آن کم‌وبیش حاضرند، صحنه‌ی یک مبارزه‌ی بزرگ‌تر بین ابلیس کرونا و فرشته‌ی زندگی است و تاریخ همیشه به ما یادآور شده که پیروزی نهایی با خورشید است و نه عوارض و وقایع تلخی که چند صباحی در تاریکی‌ها قربانی می‌گیرند و در نهایت اسیر بشر امیدوار می‌شوند.

آن، با عبور از ظلمات دو سال اخیر که کووید ۱۹ آن را به جهانیان تحمیل کرده، سدشکن خواهند شد و مهم‌تر از همه اینکه، نور زندگی را به دل‌های مرده از یأس ساطع خواهند کرد. حسن یزدانی در کشتی آزاد، محمدعلی گرابی در کشتی فرنگی، علی داوودی در وزنه‌برداری، سجاد گنج‌زاده در کاراته، میرهاشم حسینی در تکواندو و البته تیم شمشیربازی، اسلحه و سایر رشته‌ها، نمونه‌ها و نفراتی هستند که می‌توانند بساط شب را برچینند و خورشید امید را بر ورزش ایران و البته کل المپیک ۲۰۲۱ حکم گردانند.

اصلاً اسم‌ها و افراد به ارمغان آورنده‌ی این افتخارات احتمالی مهم نیستند و مهم‌تر از هر چیزی، نفس عمل است؛ جنگیدن خورشید زندگی با ابلیس مرگ که اینک در قالب کرونا به جان جهانیان و از جمله دنیای زیبای ورزش افتاده، ارزنده‌ترین رویداد ممکن و بزرگ‌ترین دستاوردی است که «توکیو» می‌تواند در بر داشته باشد. عاملان و مجریان، آن‌ها راسی که دارند و از هر پیشینه‌ای که بهره می‌گیرند، عزیزان دل هستند در این راه سخت و بزرگ حتی ورزشکاران برجسته‌ی سایر کشورها و ستاره‌های شرق و غرب نیز همراه و همقدم بهترین‌های ما خواهند بود و توکیو عرصه‌ای است که می‌تواند جهان



«وصال روحانی»

المپیک که به سبب شدت و حدت ملاحظات کرونایی در حبابی غلیظ از تنهایی و هاله‌ای عمیق از احتیاط قرار گرفته، در قیاس با ادوار قبلی این رقابت‌ها که سرشار از روشنایی روز بودند، «شب» تیره‌ای را در توکیو گواهی می‌دهد که از هر جهت ناقض آرمان‌های المپیک و روح این بازی‌ها است و حتی حضور تماشاگران در استادیوم‌ها ممنوع اعلام شده است.

با این حال در این شب طولانی کرونایی که مثل هر دوره‌ی المپیک، شانزده روز طول می‌کشد و در چهارچوب سی‌ودومین دوره‌ی رقابت‌هایی که شروعش به یونان باستان برمی‌گردد - و اولین دوره‌ی نوینش باز هم به یونان و به سال ۱۸۹۶ - بارقه‌هایی از امید در کاروان اعزامی ایران مشاهده می‌شود که می‌تواند رنج کرونا را به زیبایی فتح تبدیل کند و سلامت ورزشکاران زبده را بر حرمان و مرگ غالب گرداند. این قبیل ورزشکاران با کسب مدال‌هایی از سر شهامت و فراتر از

